

بررسی مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۴/۱۷ هـ.ش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۳/۳ هـ.ش

پوهنپار غمی آرښ^۱

صمیم سیرت^۲

چکیده

دعوای جزایی از مهم‌ترین بخش‌های نظام عدلی و قضایی هر کشور به شمار می‌رود؛ زیرا به صورت مستقیم با حفظ نظم عمومی، تأمین عدالت، حمایت از حقوق افراد و مبارزه با جرایم ارتباط دارد. با وجود این اهمیت، تاکنون بررسی جامع و مستقلى در خصوص مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان صورت نگرفته و نحوه تنظیم مراحل ابتدایی، استیناف و تمیز به گونه علمی تبیین نشده است. تحقیق حاضر با هدف بررسی مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان انجام شده است. سؤال اصلی تحقیق این است که مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان چگونه تنظیم گردیده است؟ فرضیه تحقیق بیان می‌دارد که مراحل دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان در سه مرحله ابتدایی، استیناف و تمیز و در چارچوب احکام شریعت اسلامی و رعایت کرامت انسانی تنظیم شده است. تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده و اطلاعات آن از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، اصول‌نامه‌ها، فرامین و اسناد تقنینی گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نظام محاکماتی در امارت اسلامی افغانستان دارای ساختار سه مرحله‌ای بوده و برای هر مرحله صلاحیت‌ها، وظایف و میعادهای مشخص تعیین گردیده است. همچنین حق استیناف‌خواهی و تمیزخواهی به عنوان تضمین‌های مهم عدالت قضایی پیش‌بینی شده است. نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان تلاش نموده است تا با تکیه بر احکام شریعت اسلامی و رعایت حقوق طرفین دعوای، زمینه تأمین عدالت و ثبات قضایی را فراهم سازد.

کلمات کلیدی: افغانستان، جزا، دعوای، دعوای جزایی، محاکمه، نظام حقوقی.

۱. عضو کادر علمی پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون البیرونی: G.Arash1945@gmail.com

۲. فارغ التحصیل پوهنځی حقوق و علوم سیاسي پوهنتون البیرونی: Ahmadsamimfragi@gmail.com

۱. مقدمه

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على رسول الله المبعوث رحمة للعالمين، ورضي الله عن الصحابة والتابعين، ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين.

نظام عدلی و قضایی یکی از اساسی ترین ارکان حاکمیت و تأمین کننده عدالت در هر جامعه محسوب می شود. در میان موضوعات مختلف حقوقی، دعوی جزایی از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ زیرا با حقوق اساسی افراد، امنیت عمومی و نظم اجتماعی ارتباط مستقیم دارد. نحوه رسیدگی به دعاوی جزایی و چگونگی تنظیم مراحل محاکماتی، میزان موفقیت یک نظام حقوقی را در تحقق عدالت و حمایت از حقوق شهروندان آشکار می سازد. پس از استقرار نظام امارت اسلامی افغانستان، نظام قضایی کشور بر بنیاد احکام شریعت اسلامی، فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) و اصول نامه های نافذ بازسازی و تنظیم گردید. در این نظام، رسیدگی به دعاوی جزایی در چارچوب مشخصی انجام می شود و محاکم مکلفاند مطابق احکام شرعی و مقررات نافذ به بررسی و فیصله قضا یا بپردازند.

با توجه به اهمیت موضوع و کمبود تحقیقات علمی در این زمینه، بررسی مراحل محاکماتی دعوی جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. تحقیق حاضر تلاش می کند تا با رویکرد توصیفی - تحلیلی، ساختار و مراحل رسیدگی محاکماتی به دعاوی جزایی را مورد بررسی قرار داده، صلاحیت ها و وظایف محاکم در هر مرحله را تبیین نموده و نقش اصول نامه ها و فرامین را در تنظیم این روند روشن سازد.

۱-۱. بیان مسئله: دعاوی جزایی، به عنوان یکی از اساسی ترین ابزارهای نیل به عدالت، تأمین امنیت عمومی و حراست از حقوق و آزادی های فردی، در هر نظام حقوقی از جایگاهی محوری برخوردارند. نحوه تنظیم مراحل دادرسی در این دعاوی، مبین میزان التزام نظام حقوقی به اصول عدالت محوری، رعایت حقوق اصحاب دعوا، تسریع در رسیدگی و استقرار نظم اجتماعی است. با استقرار نظام امارت اسلامی افغانستان، ساختار قضایی و عدلی کشور بر پایه ای احکام شریعت اسلام و نیز فرامین و اصول نامه های لازم الاجرا سامان یافته است. علی رغم اهمیت انکارناپذیر این موضوع، تاکنون تحقیق جامع و مستقل که به بررسی مراحل محاکماتی دعوی جزایی در این نظام حقوقی پرداخته باشد، انجام نشده و نحوه تنظیم مراحل سنتی، تجدیدنظر و فرجام خواهی

به گونه‌ای علمی تبیین نگردیده است. از این رو، تحقیق پیش‌رو در صدد است تا به این پرسش اساسی پاسخ گوید که مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان چگونه تدوین شده و هر یک از این مراحل، چه ویژگی‌هایی در جهت تحقق عدالت قضایی دارا هستند؟

۱-۲. سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان چگونه می‌باشد؟

سؤالات فرعی: (۱) در نظام حقوقی امارت اسلامی، دعوای جزایی و محاکمه به چه معناست؟ (۲) اصول‌نامه‌ها و فرامین امیرالمؤمنین ^(حفظه الله تعالی) چه تأثیری بر تنظیم مراحل دعوای جزایی دارد؟

۱-۳. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان بر مبنای احکام شریعت اسلامی، فرامین نافذ و اصول‌نامه‌های مربوط تنظیم گردیده، در سه مرحله؛ یعنی محکمه ابتدائیه، محکمه استیناف و محکمه تمیز، زمینه رسیدگی به دعوای جزایی و تأمین عدالت جزایی را فراهم می‌سازد.

فرضیه‌های فرعی: (۱) مفهوم دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان بر مبنای احکام شریعت اسلامی تعریف گردیده است. (۲) اصول‌نامه‌ها و فرامین نافذ چارچوب اساسی مراحل رسیدگی به دعوای جزایی را تشکیل می‌دهند.

۱-۴. اهداف تحقیق: هدف اصلی این تحقیق، بررسی مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان و شناسایی اصول‌نامه‌ها و فرامین مرتبط با دعوای جزایی است. اهداف فرعی نیز شامل بررسی و شناخت مفهوم دعوای جزایی و نیز شناسایی نقش اصول‌نامه‌ها و فرامین در تنظیم مراحل رسیدگی به دعوای جزایی می‌شود.

۱-۵. اهمیت و ضرورت تحقیق: مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان از چند جهت دارای اهمیت و ضرورت می‌باشد که قرار ذیل است: (۱) تبیین علمی مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی

افغانستان؛ ۲) آگاهی و شناخت بهتر اهل تخصص، محققین و سایر افراد جامعه از نظام رسیدگی جزایی امارت اسلامی؛ و ۳) رفع کمبود منابع علمی و تحقیقی در زمینه مراحل دعوی جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان.

۲. روش تحقیق

تحقیق حاضر از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق برای تبیین و تحلیل مراحل محاکماتی دعوی جزایی در نظام امارت اسلامی افغانستان از روش مطالعه اسناد و کتابخانه‌ای استفاده شده است.

۳. پیشینه تحقیق

در رابطه به مراحل محاکماتی دعوی جزایی، تحقیقات و آثار متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است؛ اما تا کنون تحقیق مستقلی که مراحل محاکماتی دعوی جزایی را در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان با تمرکز بر اصول‌نامه‌ها و فرامین صادره از سوی امیرالمؤمنین (حفظه‌الله تعالی) بررسی نموده باشد، مشاهده نگردیده است. مهم‌ترین تحقیقات مرتبط با موضوع عبارت‌اند از:

دانش (۱۴۰۱) در کتاب *اصول محاکمات جزایی*، مراحل مختلف رسیدگی به دعاوی جزایی در نظام حقوقی افغانستان را مورد بررسی قرار داده و صلاحیت نهادهای عدلی و قضایی را تبیین نموده است. با این حال، اثر وی مبتنی بر قوانین ملغی‌شده بوده و به ساختار و مراحل رسیدگی در نظام حقوقی امارت اسلامی نپرداخته است. شه‌ری‌پور (۱۳۹۷) در اثر خود تحت عنوان *اصول محاکمات جزایی افغانستان*، روند رسیدگی به قضایای جزایی، صلاحیت محاکم و حقوق متهم را بررسی نموده است. این اثر نیز بر مبنای قوانین پیشین تدوین گردیده و تحولات اخیر نظام قضایی افغانستان را مورد مطالعه قرار نداده است.

احمدی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای «حق بر محاکمه عادلانه جزایی از منظر اسناد بین‌المللی، فقه و قوانین افغانستان»، اصول مراحل رسیدگی عادلانه و تضمینات حقوقی متهم را مورد تحلیل قرار داده است. هرچند این تحقیق به برخی مباحث مرتبط با محاکمه جزایی پرداخته؛ اما مراحل محاکماتی دعوی جزایی در چارچوب اصول‌نامه‌ها و فرامین امارت اسلامی را بررسی نکرده است.

طاهری (۱۳۹۷) در کتاب معیارهای دادرسی عادلانه در قوانین افغانستان و اسناد بین‌المللی، موضوع استیناف‌خواهی، تجدیدنظر و تضمین‌های دادرسی عادلانه را مورد مطالعه قرار داده است؛ ولی تحقیق وی قبل از امارت اسلامی افغانستان انجام شده و تحولات جدید قضایی را در بر نمی‌گیرد.

سیرت (۱۴۰۴) در پایان‌نامه دوره لیسانس/کارشناسی، تحت عنوان «بررسی مقایسوی صلاحیت تحقیق جرم در نظام جمهوریت و امارت اسلامی افغانستان»، تغییرات ایجاد شده در صلاحیت نهادهای تحقیق و تعقیب جرایم را بررسی نموده است. با وجود ارتباط نسبی با موضوع، تمرکز این تحقیق بر مرحله تحقیق جرم بوده و مراحل محاکماتی دعوای جزایی را مورد مطالعه و بررسی قرار نداده است.

با بررسی منابع و تحقیقات پیشین مشخص می‌گردد که بیش‌تر تحقیق‌ها بر اصول محاکمات جزایی، محکمه عادلانه، حقوق متهم و صلاحیت نهادهای عدلی تمرکز داشته‌اند و تا اکنون تحقیق مستقلی درباره مراحل محاکماتی دعوای جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان بر اساس اصول‌نامه‌ها، لوایح و فرامین نافذ صورت نگرفته است. از این‌رو، تحقیق حاضر تلاش می‌نماید این کمبود علمی را برطرف نموده و مراحل رسیدگی محاکماتی دعوای جزایی را در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان به صورت علمی و تحلیلی بررسی نماید.

۴. مفاهیم تحقیق

در این بحث به صورت مختصر مفهوم کلماتی که در موضوع تحقیق دارای اهمیت ویژه هستند و برای فهم دقیق‌تر متن لازم است، مانند: دعوای جزایی، پرداخته می‌شود.

۴-۱. دعوای

دعوی در لغت به معنای طلب آمده است (سنگلجی، ۱۳۸۲: ۵۷)؛ چنان‌که الله متعال ﷻ در خصوصیات اهل بهشت در سوره یس آیه ۵۷ می‌فرماید: {...وَلَهُمْ مَا يَدْعُونَ}. ترجمه: «اهل بهشت هرچه را طلب می‌کنند، می‌یابند».

دعوی در اصطلاح نزد علمای احناف عبارت از سخنی است در نزد قاضی که قاضی آن را بپذیرد و با اساس آن یک شخص، حقوق خود را می‌خواهد و یا از آن دفاع

می‌نماید (نیازی، ۱۳۹۳: ۶۲). یا دعوی عبارت از خواستن حق از غیر، نزد محکمه با صلاحیت در حضور قاضی (ستانکزی، ۱۳۹۶: ۷۰).

۴-۲. دعوی جزایی

در رابطه به یک قضیه جزایی و آغاز اجراءات جزایی سه مرحله وجود دارد که عبارت‌اند از: (۱) مراحل قبل از دعوی جزایی؛ (۲) مرحله دعوی جزایی و (۳) مرحله بعد از دعوی جزایی را در بر می‌گیرد.

موضوع قابل بحث ما هم مرحله دعوی جزایی یا مرحله محاکماتی می‌باشد. در این مرحله در واقع، دعوی جزایی اقامه می‌گردد و هم شخص متهم مورد محاکمه قرار می‌گیرد. با در نظر داشت توضیحات فوق دعوی جزایی را چنین تعریف می‌نماییم:

«مرحله دعوی جزایی به مرحله‌ای گفته می‌شود، که از زمان سپردن دوسیه جزایی از طرف مرجع تحقیق به محکمه ابتدائیه آغاز و الی زمان قطعیت حکم محکمه ادامه پیدا می‌کند» (دانش، ۱۴۰۱: ۱۰۰). البته بعضی اوقات قطعیت حکم محکمه امکان دارد، در مرحله محکمه ابتدائیه صورت گیرد، یا هم مرحله بعدی محاکمه را طی نموده، محکمه قطعیت حاصل کرده و مرحله بعد از دعوی جزایی آغاز می‌گردد.

۴-۳. محاکمه

محاکمه به معنای رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در محکمه صلاحیت‌دار است، یا رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در دعوی جزایی یا مدنی، نزد محکمه صلاحیت‌دار به کار رفته است (احمدی، ۱۴۰۲: ۶۰). محاکمه مرحله نهایی رسیدگی به دعوای جزایی است و از مهم‌ترین مراحل به شمار می‌رود؛ چراکه سرنوشت متهم هم از حالت تبرئه یا محکومیت در این مرحله معلوم می‌گردد. این مرحله پس از آن آغاز می‌شود که دوسیه از مرجع تحقیق به مرجع صلاحیت‌دار برای صدور حکم فرستاده می‌شود. در این مرحله، دوسیه از صلاحیت نهاد تحقیق خارج شده و به محکمه صالح راجع می‌گردد؛ جایی که دفاعیات متهم بررسی و بر اساس دلایل و شواهد، حکم برائت یا به محکومیت صادر می‌شود، به برائت یا به محکومیت. مرحله محاکمه از مرحله تحقیق ابتدایی از چند جهت متفاوت است؛ از جمله: اختلاف مراجع صلاحیت‌دار، نیز امکان استیناف‌طلبی از فیصله قضایی؛ در حالی که در مرحله تحقیق ابتدایی این امکان وجود ندارد. هم‌چنین از نظر

ماهیت، مرحله محاکمه بر ارزیابی و سنجش شواهد و دلایل استوار است، بر خلاف مرحله تحقیق که بیش‌تر متکی بر گردآوری شواهد می‌باشد (هارون، ۲۰۲۲: ۱۱).

۴-۴. تحریک دعوی جزایی

تحریک نمودن دعوی جزایی عبارت از اقدامی است که جهت پیگیری و تعقیب علیه شخص مرتکب جرم انجام می‌شود. با این اقدام، روند تحقیق و جمع‌آوری دلایل و شواهد آغاز می‌گردد (سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق، ۱۳۹۸: ۱۰). در مسایل جزایی و جنایی مدعی جامعه می‌باشد، حق تعقیب دعوی بر عهده نماینده‌های جامعه بوده که در گذشته به‌خصوص در نظام جمهوریت این نماینده‌های دولت (جامعه) پولیس، خرنوالی و محاکم بودند و دعوی جزایی را به حرکت می‌آوردند؛ اما با روی کار آمدن نظام امارت اسلامی این روند تغییر یافته به نهادهای استخبارتی و محکمه مؤظف گردیده‌اند. مطابق ماده اول فرمان شماره ۳۵ امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) در مورد اداره لوی خرنوالی چنین تصمیم اتخاذ گردید: (۱) تغییر نام لوی خرنوالی به لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام. (۲) انتقال بودجه، اموال منقول و غیر منقول لوی خرنوالی به لوی ریاست نظارت بر تعقیب فرامین و احکام. (۳) تغییر نام و انتقال حسابات بانکی لوی خرنوالی به لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام (فرمان امیرالمؤمنین حفظه الله ۱۴۴۴ق: شماره ۳۵). با این حال در نظام حقوقی امارت اسلامی، صلاحیت تعقیب، تحقیق و اقامه دعوی جزایی بر عهده نهادهای قضایی و ارگان‌های مسئول کشف جرم نهاده شده است تا با طی مراحل رسیدگی در محاکم ابتدایی، استیناف و ستره محکمه، عدالت بر اساس احکام فقه حنفی و اصول‌نامه‌های جزایی، در سراسر کشور برقرار گردد و حقوق شاکی، متهم و جامعه به‌درستی حفظ شود (سیرت، ۱۴۰۴: ۲۵-۲۶).

۵. مراحل رسیدگی محاکماتی دعوای جزایی

رسیدگی محاکماتی در دعوی جزایی به مجموعه‌ای از اصول و قواعد قانونی گفته می‌شود که برای کشف جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوی و صدور حکم نهایی جهت تعیین مسئولیت جزایی مجرمان به کار می‌رود، در نظام قضایی افغانستان روند رسیدگی به قضایای جزایی به سه مرحله دسته‌بندی می‌شود که شامل ریاست تمیز، محاکم مرافعه و محاکم ابتدایی می‌گردد. این موضوع در لایحه محاکم قوه قضائیه امارت اسلامی

افغانستان چنین بیان شده است: «قوة قضائيه امارت اسلامي افغانستان عبارت از اداره عالی محاکم که زیر قیادت آن ریاست تمیز، محاکم مرافعه، محاکم ابتدائیه، محاکم اختصاصی نظامی و محاکم احتساب قرار دارد (مقدمه لایحه محاکم، ۱۴۴۰: ۵). همچنان «افغانستان نظر به اصول اسلامی که قضاء قابلیت تخصیص، تقید و تجزیه را به محل، زمان، حادثه و موضوع دارد، سه مرجع را برای حل و فصل دعاوی حقوقی و جزایی تشکیل داده است: محکمه ابتدائیه، محکمه مرافعه (استیناف) و محکمه تمیز (ستر محکمه)» (اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵، ماده ۱۸۳). در هردو اسناد تقنینی به مراحل محاکماتی در نظام قضایی افغانستان پرداخته شده است که شامل سه مرحله (محکمه ابتدائیه، محکمه مرافعه (استیناف) و محکمه تمیز (ستره محکمه) می باشد که به هر مرحله آن در ذیل به صورت جداگانه می پردازیم:

۵-۱. رسیدگی به دعوی جزایی در محکمه ابتدائیه

در اصل، نخستین مرحله دعوی جزایی عبارت از مرحله محکمه ابتدائیه می باشد؛ این مرحله عبارت از مرحله ای است که از زمان سپردن دوسیه جزایی به این مرجع آغاز و تا زمان صدور حکم ادامه پیدا می نماید. بعد از ارجاع دوسیه جزایی به محکمه ابتدائیه دعوی جزایی وارد بحث جدیدی از عدالت خواهی می گردد، در حقیقت محکمه ابتدائیه نخستین مرجع حل و فصل و صدور حکم مبنی بر برائت یا محکومیت فرد متهم می باشد (شهیرپور، ۱۳۹۷: ۱۲۴).

۵-۱-۱. وظایف و صلاحیت های محکمه ابتدائیه

محکمه ابتدائیه بعد از تحقیق و بررسی دوسیه یک سلسله اجراءات را آغاز می نماید، دعوی حقوقی و جزایی را به حضور خود فیصله کرده، هم چنان بر حسب مقررات صلاحیت تعیین جزای تعزیری حق العبدی و حق الله را دارد. بر اساس اصول نامه اداری محاکم عدلی تمام دعاوی در محکمه عدلی به صورت علنی حل و فصل می گردد.

۵-۱-۲. میعاد رسیدگی و اصدار حکم در محکمه ابتدائیه

برای این که محاکم به قضایا در میعاد معین رسیدگی نمایند، نیاز است که در زمان تعیین شده رسیدگی به قضیه گردد و به اساس هدایت امیر المؤمنین (حفظه الله تعالی) چنین مشعر است: «محکمه ابتدائیه، دوسیه ها را در یک و نیم ماه بررسی نماید. اگر کدام قاضی عذر معقول و شرعی داشته باشد و نتواند در مدت مذکور اجراءات کند، عذر خویش را به

ستره محکمه ارائه می‌نماید». هم‌چنان تمام قضات، دوسیه‌های حدود و قصاص را به صورت عاجل بررسی نمایند و به قضیه‌های مذکور حق اولویت بدهند. در کنار این تمام قضات، آن دوسیه‌های جنایی را که زندانی دارند، به صورت عاجل بررسی نمایند» (فرمان امیرالمؤمنین حفظه‌الله تعالی، ۱۴۴۴هـ.ق، شماره ۱۸۲۰). در این فرمان به چهار موضوع مهم اشاره شده که: (۱) میعاد رسیدگی به دوسیه در یک و نیم ماه خاتمه یابد؛ (۲) اگر در مدت فوق، قاضی نتواند به دعوی خاتمه دهد، باید دلایل موجه عدم رسیدگی خود را به ستره محکمه ارائه نماید؛ (۳) در مورد قضایای جرایم شرعی مانند حدود و قصاص رسیدگی معین و عاجل از جانب قضات محاکم انجام شود؛ (۴) تمام دوسیه‌های که مظنون و متهم در زندان است، به رسیدگی عاجل تأکید شده است.

۵-۲. رسیدگی به دعوی جزایی در محکمه استیناف

منظور از استیناف این است که تضمین گردد یک دعوی حداقل دوبار مورد رسیدگی دقیق قرار گیرد؛ طوری که بار دوم باید از سوی یک محکمه عالی‌تر باشد. تمام افراد محکوم به ارتکاب جرم از حق استیناف‌خواهی برخوردار اند؛ بدون اینکه برخورداری از این حق، به شدت جرم یا مجازات تعیین‌شده از سوی محکمه (ابتدایی) بستگی داشته باشد.

رسیدگی استینافی عبارت است از شکایت از حکم یا قرار که در مرحله رسیدگی نخستین صادر گردیده است. به این شکایت که برای بار دوم صورت می‌گیرد، استیناف اطلاق می‌شود. کلمه استیناف در معنی لغوی، به‌مفهوم «از سرگرفتن» و «تجدید» است. در این مرحله از رسیدگی، به شخص معترض (شاکی) پژوهش‌خواه گفته می‌شود (جعفرلنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). رسیدگی استینافی به طریقه از اعتراض به آزادی صادره از محاکم اطلاق می‌شود که به موجب آن کسی که در مرحله اولیه، حکم به ضرر او صادر شده است از محکمه بالاتر خواستار رسیدگی به قضیه برای بار دیگر می‌شود. در صورتی که محکمه استیناف اعتراض را موجه تشخیص دهد، به قضیه رسیدگی کرده و رأی مقتضی را صادر می‌کند. بنابراین، وجود حق استیناف‌خواهی باعث می‌شود که در مورد یک قضیه حداقل دوبار رسیدگی قضایی و ماهوی صورت بگیرد؛ یکی از محکمه ابتدائیه و دیگری استینافی، در نتیجه از اشتباه احتمالی در رسیدگی جلوگیری خواهد شد (طاهری، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

به ارتباط مرحله دعوی جزایی بعد از مرحله محکمه ابتدائیه دومین مرحله، مرحله محکمه مرافعه می باشد. این مرحله زمانی مطرح می گردد که به ارتباط فیصله غیر قطعی و دارای حق اعتراض طرفین دعوی جزایی یک طرف و یا هر دو طرف آن، به حکم صادر شده از طرف محکمه ابتدائیه قناعت نکنند، طی اعتراض نامه، اعتراضات خود را به محکمه بالاتر از زمان صدور حکم محکمه تسلیم نماید (دانش، ۱۴۰۱: ۱۲۲). هم چنین بر اساس محتوای ماده ۱۸۰ اصول نامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان «اعتراضاتی که بعد از حکم محکمه ابتدائیه بالای فیصله محکمه ابتدائیه صورت گرفته باشد، در محکمه مرافعه مربوطه مورد حل و فصل قرار می گیرد» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۸۰). این ماده اشاره رسیدگی به محکمه دوم (استیناف خواهی) دارد، هم چنان مطابق ماده ۱۹۸ اصول نامه اداری محاکم عدلی «اساس استیناف عبارت از موقع دادن به محکوم علیه غیر قانع را که هرگاه به حکم اولی قناعت نداشته باشد، به محکمه مرافعه مراجعه کند» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۹۸). به اساس همین ماده، قضات محاکم مرافعه تلاش می کنند که قناعت محکوم علیه غیر قانع است حاصل نمایند. هم چنین در ماده دیگر، اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی نیز به تعریف استیناف اشاره نموده است: «استیناف عبارت از آن شکایت یا استغاثه است که از خلاف رفتاری یک محکمه حاکمه به یک محکمه بالاتر (محکمه مرافعه) تقدیم می گردد» (اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۹۲). در این ماده اشاره به رسیدگی مجدد در یک محکمه بالاتر؛ یعنی محکمه مرافعه می باشد.

۵-۲-۱. شروط اساسی استیناف خواهی

استیناف خواهی دارای یک سلسله شروط اساسی می باشد که ماده ۱۹۴ اصول نامه اجراءات حقوقی عدلی امارت اسلامی افغانستان به آن پرداخته که قرار ذیل است: الف) داخل میعاد استماع قانونی مرافعه باشد. ب) فیصله ابتدائیه، دارای صفت حکم باشد. ج) محکوم علیه صریحاً یا دلالتاً به فیصله ابتدائیه رضایت خود را ظاهر نکرده باشد. در قسمت وضعیت مستأنف محکوم له در اصول نامه ها کدام مورد مشخص ذکر نشده؛ اما از تحلیل موضوع می شود وضعیت دعوی و مستأنف محکوم له شامل توقف اجرای فیصله محکمه ابتدائیه، بررسی مجدد دعوی در محکمه استیناف می گردد. د) محکمه مرافعه صلاحیت

استیناف آن را داشته باشد. ه) متداعین به موجب سند علی حده و تراضی طرفین استحقاق مرافعه خود را ساقط نکرده باشد. و) جانبین قرار سند جداگانه، به حکمیت قاطع شخص حکم رضائیت نداده باشد. ز) لازم است که استیناف خواهی از جانب مدعی یا مدعی علیه و یا قائم مقام آن ها شود و آن عبارت است از خودشان و یا ورثه و وکلای شان. ک) حکم محکمه ابتدائیه به رضاء محکوم علیه اجراء نشده باشد (اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۹۴). در این ماده بیشتر به شروط اساسی استیناف خواهی اشاره شده که از جانب استیناف خواه باید رعایت گردد، در غیر آن استیناف خواهی کرده نمی تواند.

۵-۲-۲. ضرورت و اهمیت استیناف خواهی در دعوی

از جمله حقوق طرفین دعوی در فقه اسلامی و نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان، استیناف خواهی بر احکام صادر شده است. بدون شک این حق دارای اهمیت و ضرورتی است که آن را از سایر حقوق متمایز می سازد. این اهمیت و ضرورت در فقه اسلامی به شکل زیر تجلی می یابد:

الف. مراجع قضایی همواره در پی تطبیق انصاف و تحقق حق است و در صدور احکام دقت و تحقیق لازم را به کار می برد. دست یافتن به این اهداف، جز از راه استیناف خواهی که نوعی نظارت درونی را تحقق می بخشد، ممکن نیست. این نظارت در قالب بررسی و کنترل محکمه درجه دوم یا محکمه بالاتر از محکمه درجه اول یا ابتدائیه صورت گیرد؛ این ضرورت باعث می گردد که محکمه بالاتر با استقلال، موضوع دعوی را دوباره بررسی کرده و برای رسیدن به عدالت مطلوب، دقت لازم را در نظر گیرد (طاهری، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

ب. قاضی مانند سایر افراد، بشر است و از خطا مصئون نمی باشد؛ ممکن است در تشخیص امور دچار اشتباه شود یا دلایل به درستی نزد او ثابت نگردد. از همین رو، مصلحت عدالت ایجاب می نماید که راه بازنگری دعوی، بررسی دوباره دعوی و حکم وجود داشته باشد تا محکمه استیناف بتواند خطاهای محکمه ابتدائیه را چه در جریان رسیدگی و چه در اصل موضوع را اصلاح نماید و حکمی را در مورد آن صادر نماید که عاری از عیب باشد (عبدالقوی، ۲۰۲۰: ۱۷۵).

ج. استیناف زمانی مطرح می شود که یکی از طرفین دعوا از حکم محکمه ابتدائیه متضرر گردد. در این حالت، استیناف برای او فرصت گسترده تری فراهم می سازد تا

وسایل و دلایل دفاعی خود را در برابر محکمه ابتدائیه ارائه نماید و به آرای درست‌تر، دقیق‌تر و جامع‌تر دست یابد. در کنار آن اعتماد شخص محکوم‌علیه نیز تقویت می‌گردد؛ زیرا دعوی از نو در برابر محکمه‌ای با درجه بالاتر، تجربه و دقت بیشتری مطرح می‌گردد (همان، ۱۷۶).

۵-۳. وظایف و صلاحیت‌های محکمه استیناف

هر محکمه دارای یک سلسله وظایف و صلاحیت‌ها است، محکمه استیناف نیز از این صلاحیت‌ها برخوردار است و این موضوع در ماده ۲۲۱ اصول‌نامه اداری محاکم عدلی چنین بیان شده است: «تمام اصول و قوانین محاکماتی که در محکمه ابتدائیه مرعی‌الاجراء است در محکمه مرافعه نیز مرعی می‌باشند» (اصول‌نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۲۱). همچنان در ماده ۲۰۰ اصول‌نامه فوق نیز در باب موضوع اشاره شده است: «مرافعه نمی‌توانند که به صورت مستقیم بدون فیصله قبلی محکمه ابتدائیه مربوط به حل و فصل دعوی بپردازد». زمانی که علیه محکمه ابتدائیه اعتراضاتی صورت گیرد، این اعتراضات در قالب اعتراض‌نامه و سپردن آن از طرف معترض به محکمه استیناف می‌انجامد» (اصول‌نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵، ماده ۲۰۰). محکمه استیناف مکلف است راجع به اعتراض‌نامه اجراءات خود را آغاز نماید، اعتراض‌نامه و اجراءات مربوط به آن قرار ذیل است:

الف. اعتراض‌نامه

اعتراضات معترض بالای فیصله محکمه ابتدائیه ضمن تقدیم ورقه عرض حال یا اعتراض‌نامه صورت می‌گیرد. این موضوع در ماده ۱۸۱ اصول‌نامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان چنین بیان شده است: «ورقه در حالی که از جانب غیر قانع ترتیب داده می‌شود، باید مشتمل به بیان اصل موضوع و حکم محکمه ابتدائیه باشد و علل موجبات مرافعه‌خواهی باشد» (اصول‌نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۸۱). هم‌چنان مرجع سپردن اعتراض‌نامه نیز طبق ماده ۱۸۲ اصول‌نامه اداری محاکم عدلی «ورقه عرض حال مستقیماً به محکمه مرافعه تقدیم می‌گردد» (اصول‌نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۸۲). در هر دو ماده بیشتر به محتویات اعتراض‌نامه و مرجع سپردن آن پرداخته شده است.

ب. تعیین وقت جلسه و تدویر آن

پس از مواصلت دوسیه جزایی همراهی اعتراض نامه به محکمه استیناف، دفتر محکمه مرافعه اعتراضات معترض و اسناد وی را گرفته و از نزد وی جواب تحریر می گیرد. بر اساس احکام ماده ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸ اصول نامه اداری محاکم عدلی «بعد از اكمال دوسیه اعتراضات و سوال و جواب طرفین بروز معین مطابق نوبت به محکمه مرافعه خواسته می شوند». «محکمه استیناف قبل از ملاحظه مفصل دوسیه، اول تر از همه تاریخ استدعای مرافعه طلبی را ملاحظه می کند که مطابق مقررات اصولی به وقت معینه تقدیم شده است یا نه»، «در صورتی که اعتراضات معترض مطابق مقررات و به تاریخ معینه دیده شد، محکمه مرافعه دوسیه سؤال و جواب طرفین و اوراق دوسیه موضوع را به همان روز یا روز دیگر تحت غور و مطالعه قرار می دهد تا معلوم شود که اعتراضات و جوابات متقابله مطابق اصول و قواعد معینه آن صورت گرفته است یا نه» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸). در هر سه ماده بیشتر به سؤال و جواب از طرفین، تاریخ استدعا و نیز چگونگی از مطابقت سؤال و جوابات در مطابقت به اصول نامه پرداخته شده است.

۵-۲-۴. صدور فیصله از طرف محکمه استیناف

مطابق ماده ۱۸۹ اصول نامه اداری محاکم عدلی «محکمه استیناف بعد از ملاحظه تمام اوراق دوسیه یا به تأیید حکم محکمه ابتدائیه حکم می نماید یا به فسخ و ابطال حکم اول و به دوران ثانی دعوی می پردازد». می توان در این مورد چنین تبصره کرد که اگر حکم محکمه ابتدائیه از طرف مرافعه نقض گردد، طبق حکم ماده (۱۸۳۸) مجله الاحکام، به همان محکمه ابتدائیه محول نماید که حکم صادر کرده، اگر در مرتبه دوم نقض نمود خود مقام محکمه مرافعه به صدور حکم اقدام نماید» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵، ماده ۱۸۹). در مورد فسخ و ابطال حکم در اصول نامه ها به صورت واضح پرداخته نشده و با توجه به محتوای ماده موارد فسخ و ابطال در شکلیات (جریان رسیدگی) و در محتوا (اشتباه در قانون باشد)، پرداخته شده است. البته باید گفت که ابطال حکم معمولاً زمانی مطرح می شود که در رسیدگی یا صدور حکم، تخلف قانونی یا ابطال اجراءات محکمه وجود داشته باشد که بر نتیجه دعوی اثر گذاری نماید. فسخ یا نقض حکم این

است که محکمه مرافعه تشخیص دهد که حکم محکمه ابتدائیه از لحاظ قانونی نادرست و آن را لغو کند.

۵-۲-۵. مدت ختم اجراءات محکمه استیناف

بر اساس ماده ۱۹۸ اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی «لازم است که مرافعه خواه بعد از تقدیم ورقه استیناف، ورقه اعتراضات مفصل خود را با دلائل و اسناد خود در ظرف ۱۰ روز تقدیم محکمه مرافعه نماید، تا بعد از تصدیق و قبول محکمه، به روز معین جانب مقابل آن جلب گردد» (اصول نامه اجراءات محاکمات حقوقی عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۹۸). طبق حکم ماده ۱۹۰ اصول نامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان «هرگاه معترض در میعاد معینه برای حل و فصل اعتراضات خود به محکمه مرافعه حاضر نشد، در حالی که اعدار قانونی نداشته باشد، محکمه احکام خود را مبنی بر استدعای معترض صادر می کند و این حکم به کتاب دفتر محکمه ثبت و به مراجع مربوطه ابلاغ می گردد. در این صورت حق معترض ساقط می شود و هیچ گونه حق اعتراضی راجع به اعلام موضوع ندارد.» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۱۹۰).

در لایحه محاکم امارت اسلامی افغانستان در مورد اعدار قانونی و شرعی چنین بیان شده است که: «اعدار شرعی مانند: صغارت، جنون، [غایب شدن] و یا اینکه مدعی علیه شخص متغلب باشد» (لایحه محاکم، ۱۴۴۰: ماده ۱۰۳). به عبارت دیگر، اگر متعرض، دلائل موجه مانند مریضی، اطلاع نیافتن از وقت محکمه و یا دوری مسافت راه، منجیت اعدار قانونی نداشته باشد، در این صورت حق معترض ساقط می شود و هیچ گونه حق اعتراضی راجع به اعلام موضوع ندارد. هم چنان در مورد معیاد رسیدگی محکمه استیناف به قضیه در فرمان شماره (۱۸۲۰) مورخ ۱۴۴۴ ق، امیر المؤمنین (حفظه الله تعالی) چنین آمده است: «محکمه مرافعه مکلف است دوسیه ها را در مدت بیست روز الی یک ماه بررسی نماید. اگر کدام قاضی عذر معقول و شرعی داشته باشد و نتواند در مدت یادشده، اجراءات کند، عذر خویش را به ستره محکمه ارائه می نماید». در این فرمان به دو موضوع پرداخته شده است که میعاد رسیدگی بیست روز الی یک ماه و در صورت عدم رسیدگی به وقت تعیین شده و عذر قاضی موجه باشد و ستره محکمه از آن واقف گردد.

۵-۳. رسیدگی به دعوی جزایی در محکمه تمیز یا ستره محکمه

تمیزخواهی یا تجدیدنظرخواهی آخرین مرحله رسیدگی قضایی است؛ در این مرحله است که باید رسیدگی قضایی خاتمه یابد و باب مناقشات مسدود شود. در اکثر نظام‌های حقوقی برای پرهیز هرچه بیش‌تر از اشتباه و خطا در رسیدگی به جرایم مهم، راهکارهای مختلفی از جمله الزامی بودن تحقیقات مقدماتی، رسیدگی با تعدد قاضی و قابل تجدید بودن آراء صادره از سوی محاکم استیناف را در نظر گرفته‌اند. تجدیدنظرخواهی به نوبه خود روشی است که بر اساس آن محکوم‌علیه می‌تواند به رأی صادره از محکمه مرافعه اعتراض کند و این اعتراض توسط ستره محکمه کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در نهایت، ستره محکمه تصمیم مقتضی را مبنی بر نقض یا ابرام در مورد آن اتخاذ می‌کند. بنابراین، رسیدگی در تجدیدنظرخواهی به صورت بازرسی و نظارت در مسایل قانونی و شکلیات مربوط به دعوی به صورت نقض یا ابرام توسط ستره محکمه است، نه در ماهیت دعوا. از این‌رو، این مرتبه رسیدگی را نمی‌توان مرحله سوم نامید (طاهری، ۱۳۹۷: ۱۹۴).

تمیزخواهی یا تجدیدنظرخواهی آخرین مرحله رسیدگی قضایی بوده و در این مرحله، باید رسیدگی قضایی خاتمه یابد و باب مناقشات مسدود گردد. یا «تمیز عبارت از همان صلاحیت نهایی است که بنابر استدعای مستدعی تمیز و یا صلاحیت قانون (نقض و ابرام) صحت و سقم فیصله‌های ابتدائیه و مرافعه را ایضاً می‌نماید» (اصول‌نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۲۲). در اکثر نظام‌های حقوقی پرهیز هرچه بیشتر از اشتباه و خطا در رسیدگی به جرایم مهم، راهکارهای مختلفی از جمله الزامی بودن تحقیقات مقدماتی و قابل تجدید بودن آراء صادره از سوی محاکم استیناف را در نظر گرفته‌اند (منصور آبادی، ۱۳۸۴: ۶۷). تجدیدنظرخواهی به نوبه خود روشی است که بر اساس آن محکوم علیه می‌تواند به آراء صادره از محکمه مرافعه اعتراض نماید و این اعتراض توسط ستره محکمه کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. هم‌چنان این موضوع در فرمان امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی)

در شماره (۱۸۲۰) مورخ ۱۴۴۴/۶/۹ هـ.ق، در بند سوم به آن اشاره شده است: «ریاست‌های تمیز دوسیه‌ها را در مدت بیست روز الی یک ماه بررسی نماید». هم‌چنان موضوع فوق در ماده ۵۵ لایحه محاکم نیز بیان شده است: «مقام تمیز باید نقض، ابرام، صحت و سقم فیصله‌های محاکم ما تحت ابتدائیه و مرافعه را معلوم سازد. در ساحت صلاحیت اصولی خود آن را ارزیابی و تدقیق کند» (لایحه محاکم، ۱۴۴۰: ماده ۵۵). حدود

رسیدگی محکمه تمیز نیز در ماده ۲۴۸ اصول نامه اداری محاکم بیان گردیده است که «محکمه تمیز، فقط فیصله های محاکم تحتانی را تدقیق و ملاحظه می کند و به جلب و احضار طرفین نیز عندالزوم اقدام می تواند». مدت استدعا یا تمیزخواهی نظر به اصول نامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان از تاریخ ابلاغ حکم محکمه مرافعه محسوب می شود (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۴۸). در هر سه اسناد تقنینی اشاره به میعاد و رسیدگی قضایا در محکمه تمیز شده اند.

۵-۳-۱. وظایف و صلاحیت های محکمه تمیز

زمانی که اعتراضاتی به این محکمه سپرده شود، باید محکمه تمیز آن مورد بررسی قرار دهد، این موضوع در اصول نامه اداری محاکم عدلی چنین آمده است: «تمیز در حوزه صلاحیت اصولی خود عموم احکام محاکم ابتدائیه و مرافعه را ملاحظه و تدقیق کند.» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۲۳). هم چنان در ماده دیگر اصول نامه، در مورد تأییدی حکم دو محکمه قبلی اشاره شده است: «هرگاه در اثر ملاحظه و تدقیق ظاهر گردید که حکم محاکم ابتدائیه و مرافعه یا یکی از آنها مطابق مقررات صورت گرفته است» (اصول نامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۲۴)؛ محکمه تمیز در خصوص سپردن اعتراض به این محکمه، اجراءات ذیل را روی دست می گیرد که هر کدام در زیر توضیح می گردد:

در اصل مرحله تمیزخواهی بر مبنا و اساس اعتراض نامه یا ورقه عرضی صورت می گیرد. که بحث تمیزخواهی در ماده ۲۳۳ اصول نامه اداری عدلی امارت اسلامی افغانستان تصریح گردیده است: «استدعای تمیز در ریاست تمیز به وسیله تقدیم عرض حال صورت می گیرد». این ماده اصول نامه، مرجع سپردن عرض تمیزخواهی را نیز پیش بینی می نماید که مرجع سپردن اعتراض نامه، ریاست تمیز می باشد. ماده ۲۳۶ این اصول نامه نیز محتوای اعتراض نامه را نیز مشخص می سازد که کدام موارد در این اعتراض نامه گنجانیده شود عبارت از:

الف. تصریح عرض حال تمیزخواهی؛

ب. اسمای طرفین و شهرت مکمله شان؛

ج. تعیین محکمه ای که حکم و فیصله از آن صادر شده است؛

د. تاریخ ابلاغ حکم محکمه و وجه تمیز طلبی (۱- حکم در مخالف با اصولنامه‌ها یا خطا در تطبیق یا تأویل آن بنا یافته باشد؛ و ۲- در اجراءات، چنان بطلان به عمل آمده باشد که بر حکم مؤثر باشد).

در کنار این محتوای اعتراض‌نامه، طبق ماده ۲۳۷ اصولنامه اداری محاکم عدلی توأم با استدعا تقدیم اوراق آتی از طرف مستدعی به ریاست محکمه تمیز حتمی است: الف) صورت فیصله که دارای تصدیق محکمه باشد. ب) لائحہ دلایل ادعای مستدعی با اعتراضات و دلائل آن (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵ هـ.ق: ماده ۲۳۷).

۵-۳-۲. اجراءات محکمه تمیز

زمانی که دوسیه جزایی همراه با اعتراض‌نامه به ریاست محکمه تمیز مواصلت می‌نماید، طبق محتوای ماده ۲۲۳ اصولنامه اداری محاکم عدلی که قبلاً بیان گردید که تمیز در حوزه صلاحیت قانونی خود عموم احکام محاکم ابتدائیه و مرافعه را ملاحظه و تدقیق می‌نماید و طبق حکم ماده ۲۲۴ این اصولنامه «هرگاه در اثر ملاحظه و تدقیق تمیز ظاهر می‌گردد که حکم محاکم ابتدائیه و مرافعه یا یکی از آن‌ها مطابق مقررات صورت گرفته است، از طرف محکمه تمیز تأیید می‌شود». هم‌چنان بر اساس حکم ماده ۲۴۳ اصولنامه فوق «تمیز در اجراءات خود مکلف است که ورق اعتراض و اسناد ضمانت مربوط با استدعای تمیز را در ظرف یک هفته بعد از تاریخ، تقدیم استدعای تمیز تصدیق نموده به مدعی علیه ابلاغ کند» و «بعد محکمه تمیز فیصله‌های محاکم تحتانی را تدقیق می‌نماید و در صورت ضرورت به جلب و احضار طرفین قضیه نیز اقدام می‌نماید» (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۴۳، ۲۲۴، ۲۴۸). در هر سه ماده فوق به تدقیق و رسیدگی قضیه در محکمه تمیز پرداخته شده است..

۵-۳-۳. صدور فیصله محکمه تمیز

بعد از ملاحظه و تدقیق قضیه مورد اعتراض، محکمه تمیز به تأیید یا نقض محاکم تحتانی اقدام می‌نماید. طبق حکم ماده ۲۲۴ اصولنامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان «هرگاه در اثر ملاحظه و تدقیق، تمیز ظاهر می‌گردد که حکم محاکم ابتدائیه و مرافعه یا یکی از آن‌ها مطابق مقررات صورت گرفته است، از طرف محکمه تمیز تأیید می‌شود». در صورتی که محکمه تمیز مشاهده کند که حکم محاکم تحتانی طبق اصول و مقررات صادر گردیده باشد، حکم از طرف محکمه تمیز تأیید می‌گردد؛ ولی اگر

حکم محکمه تحتانی طبق اصول و مقررات صادر نگردیده باشد، بر اساس ماده ۲۴۹ اصولنامه اداری محاکم عدلی، اسباب موجه نقض احکام محاکم تحتانی عبارت اند از:

(۱) انفصال موضوع در محکمه ای صورت گرفته باشد که محکمه حق انفصال آن را نداشته باشد؛ (۲) حکم محکمه خلاف مقررات باشد؛ (۳) جریانات دعوی برخلاف اصول محاکمات و شرایط لازمه عملی گردیده باشد؛ (۴) [فیصله های] صادره در موضوع واحد که از همدیگر مخالف باشد (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۲۴ و ۲۴۹).

۵-۳-۴. میعاد تکمیل اجراءات محکمه تمیز

بر اساس حکم ماده ۲۲۷ اصولنامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان، مدت استدعای تمیز از تاریخ ابلاغ حکم مرافعه محسوب می شود. محکمه تمیز نیز مکلف است بر اساس حکم فرمان شماره (۱۸۲۰) مورخ ۱۴۴۴/۶/۹ هـ.ق، امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) اجراءات خود را اعمال نماید: «ریاست های تمیز، دوسیه ها را در مدت بیست روز الی یک ماه بررسی نماید. اگر کدام رئیس، عذر معقول و شرعی داشته باشد و در مدت یادشده نتواند اجراءات کند، عذر خویش را به ستره محکمه ارائه می نماید».

در این فرمان به رسیدگی به موقع دوسیه قضایی از جانب امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) تأکید شده است و نیز اگر قضاات نتوانند در میعاد معینه به قضیه رسیدگی کنند، باید اعداز خود را به ستره محکمه شریک نمایند.

۵-۳-۵. وظیفه محکمه تمیز بعد از نقض حکم

پس از نقض حکم محاکم تحتانی، محکمه تمیز دارای وظایفی است که در اصولنامه اداری محاکم عدلی امارت اسلامی افغانستان پیش بینی شده است. از جمله این وظایف، میتوان به حکم مندرج در ماده ۲۶۰ این اصولنامه اشاره کرد: «تمیز به فیصله اصل دعوی که حکم آن را نقض می کند، رسیدگی نه نموده؛ بلکه دوران آن را به محکمه که حسب مقررات تعیین شود، محول می شود».

علاوه بر این، براساس ماده ۲۶۱ اصولنامه فوق «تمیز مکلف است که هر نوع فیصله های محاکم تحتانی (ابتدائیه، مرافعه) را به دقت ملاحظه کرده، هرگاه در صورت لزوم، نقض شود فیصله و به ارجاع قضیه حکم می نماید تا بعد از رسیدگی حکم مجدد صادر گردد» (اصولنامه اداری محاکم عدلی، ۱۴۳۵: ماده ۲۶۰ و ۲۶۱).

در مادهٔ اول اصول نامه یادشده بیشتر به دوران محاکماتی بعد از نقض فیصله محکمه تحتانی اشاره شده است؛ اما در مادهٔ دوم آن هم در نقض فیصله‌های محاکم (ابتدائیه و مرافعه) به رسیدگی مجدد حکم صادر می‌کند که دعوی دوباره در محاکم تحتانی رسیدگی گردد.

۶. مناقشه

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که مراحل محاکماتی دعوی جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان بر مبنای احکام شریعت اسلامی، اصول نامه‌های نافذ و فرامین امیرالمؤمنین (حفظه الله تعالی) تنظیم گردیده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که رسیدگی به دعوی جزایی در سه مرحله اساسی؛ یعنی محکمهٔ ابتدائیه، محکمه استیناف (مرافعه) و محکمهٔ تمیز صورت می‌گیرد و برای هر مرحله صلاحیت‌ها، وظایف و میعاد مشخص تعیین شده است. این یافته با نظریات مطرح شده در تحقیقات دانش (۱۴۰۱) و شهیرپور (۱۳۹۷) مبنی بر ضرورت تعدد مراحل رسیدگی برای تأمین عدالت قضایی همخوانی دارد؛ اما تحقیق حاضر برخلاف تحقیقات پیشین، ساختار رسیدگی جزایی را در چارچوب نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان مورد بررسی قرار داده است. همچنان یافته‌ها نشان می‌دهد که نظام قضایی امارت اسلامی افغانستان برای جلوگیری از اشتباهات قضایی و تأمین حقوق طرفین دعوی، حق استیناف‌خواهی و تمیزخواهی را پیش‌بینی نموده است. این موضوع با دیدگاه طاهری (۱۳۹۷) و عبدالحمید عبدالقوی (۲۰۲۰) در خصوص اهمیت بازنگری احکام قضایی و نقش آن در تحقق عدالت، مطابقت دارد. تعیین میعاد مشخص برای بررسی دوسیه‌ها در محاکم ابتدائیه، استیناف و تمیز نیز بیانگر تلاش نظام قضایی برای تسریع روند رسیدگی و جلوگیری از تأخیر در فیصله قضایا می‌باشد. از مهم‌ترین دستاوردهای این تحقیق، تبیین و دسته‌بندی علمی مراحل محاکماتی دعوی جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان است؛ زیرا تاکنون تحقیق مستقلی که این مراحل را بر اساس اصول نامه‌ها، لوایح و فرامین نافذ مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشده است. این تحقیق توانسته است منابع پراکنده موجود را گردآوری، تحلیل و در قالب یک چارچوب منظم علمی ارائه نماید.

مزیت دیگر این تحقیق آن است که برای محققان، استادان، محصلان رشتهٔ حقوق و علوم سیاسی، قضات، و سایر کارکنان نهادهای عدلی و قضایی، منبع علمی مناسبی در

زمینه شناخت مراحل رسیدگی به دعوی جزایی فراهم می‌سازد. همچنان نتایج این تحقیق می‌تواند در تدریس مضامین اصول محاکمات جزایی، تدوین تحقیقات بعدی و ارتقای آگاهی حقوقی جامعه مورد استفاده قرار گیرد. مفیدیت عملی این تحقیق نیز در آن است که ضمن تشریح صلاحیت‌ها و وظایف محاکم در مراحل مختلف رسیدگی، زمینه شناخت بهتر حقوق طرفین دعوی، چگونگی اعتراض بر احکام و نقش مراجع قضایی در تأمین عدالت را فراهم می‌نماید. از این رو، تحقیق حاضر علاوه بر ارزش علمی، دارای ارزش کاربردی نیز بوده و می‌تواند در توسعه مطالعات حقوقی مرتبط با نظام قضایی امارت اسلامی افغانستان مؤثر واقع گردد.

۷. نتیجه‌گیری

مرحله محاکماتی دعوی جزایی از مهم‌ترین بخش‌های نظام عدلی هر کشور محسوب می‌شود؛ زیرا به صورت مستقیم با حقوق، آزادی‌ها و امنیت افراد جامعه ارتباط دارد. تحقیق حاضر با هدف بررسی مراحل محاکماتی دعوی جزایی در نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان انجام شد. نتایج تحقیق نشان داد که رسیدگی به دعاوی جزایی در این نظام بر مبنای احکام شریعت اسلامی و در سه مرحله محکمه ابتدائیه، محکمه استیناف و محکمه تمیز تنظیم گردیده است. هر یک از این مراحل دارای صلاحیت‌ها، وظایف و معیاد مشخص بوده و در راستای تأمین عدالت قضایی، حفظ حقوق طرفین دعوی و نظارت بر صحت احکام قضایی نقش مهمی ایفا می‌نمایند. همچنین حق استیناف‌خواهی و تمیزخواهی به‌عنوان تضمین‌های مهم رسیدگی عادلانه در اصول‌نامه‌ها و فرامین نافذ پیش‌بینی شده است. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که نظام رسیدگی جزایی در امارت اسلامی افغانستان با تأکید بر تطبیق احکام شریعت اسلامی، حفظ کرامت انسانی و تأمین عدالت، چارچوب مشخصی برای رسیدگی به دعاوی جزایی فراهم نموده است؛ هرچند انسجام بیشتر مقررات و توسعه مطالعات علمی در این زمینه می‌تواند به ارتقای کارآمدی نظام عدلی کمک نماید.

۸. پیشنهادات

با توجه به مواردی که در این مقاله بحث گردید، نکات ذیل من حیث پیشنهاد ارائه می‌گردد:

۱. انتظار می‌رود وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان نسبت به تدوین و انسجام فرامین، اصول‌نامه‌ها و سایر اسناد مرتبط با مراحل دعوای جزایی در یک مجموعه واحد اقدام نماید تا دسترسی و استفاده از آن برای مراجع عدلی و قضایی تسهیل گردد.
۲. انتظار می‌رود ستره محکمه و وزارت عدلیه برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی را برای قضات، مفتیان و سایر کارکنان عدلی و قضایی در خصوص تطبیق صحیح اصول‌نامه‌های مربوط به دعوای جزایی برگزار نمایند.
۳. انتظار می‌رود وزارت محترم تحصیلات عالی کشور، مفردات دروس اصول محاکمات جزایی، حقوق جزا و جرم‌شناسی را با تغییرات و تحولات نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان تطبیق داده و منابع علمی جدید را در برنامه درسی جای دهد.
۴. انتظار می‌رود مراکز علمی و تحقیقی کشور، با انجام تحقیقات وسیع‌تر، ابعاد مختلف دعوای جزایی-حقوقی، تضمینات رسیدگی منصفانه، حقوق دفاعی متهم و شیوه‌های قضایی را در چارچوب نظام حقوقی امارت اسلامی افغانستان مورد بررسی دقیق قرار دهند.
۵. انتظار می‌رود برای افزایش شفافیت و آگاهی عمومی، فرامین و اصول‌نامه‌های مرتبط با دعوای جزایی از طریق رسانه‌های جمعی، نشریات علمی، سیمناورها و کنفرانس‌های علمی و تخصصی بیشتر معرفی و تبیین گردند.

فهرست منابع

قرآن کریم

الف. کتب و مقالات

- لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۲هـ.ش). فرهنگ عناصر شناسی حقوق مدنی - جزا. تهران: کتابخانه گنج، چاپ اول.
- دانش، حفیظ‌الله (۱۴۰۱هـ.ش). اصول محاکمات جزایی، ج ۱، کابل: نشر سیرت، چاپ سوم.
- شهیرپور، آرش (۱۳۹۷هـ.ش). اصول محاکمات جزایی افغانستان. کابل: مطبعه عازم، چاپ دوم.

- احمدی، عیدی محمد. (۱۴۰۲ هـ.ش). «حق بر محاکمه عادلانه جزایی از منظر اسناد بین المللی، فقه و قوانین افغانستان». فصلنامه علمی - تحقیقی حقوقی پوهنتون خاتم النبیین، سال اول، شماره ۱.
- ژوبل، محمد عثمان. (۱۳۸۱ هـ.ش). قواعد و مسائل فقهی (مجله الاحکام العدلیه). ج ۴. کابل: مطبوعه بهیر.
- طاهری، غلام یحیی. (۱۳۹۷ هـ.ش). معیارهای دادرسی عادلانه در قوانین افغانستان و اسناد بین الملل. کابل: نشر واژه.
- عبد الحمید عبد القوی، هدی. (۲۰۲۰ م). «استناف الأحكام القضائية في نظام المرافعات الشرعية السعودي والمصري دراسة مقارنة بالفقه الإسلامي». المجلة العربية للنشر العلمي، العدد العشرون.
- نیازی، مصطفی. (۱۳۹۳ هـ.ش). نظام قضا در اسلام. ترجمه عبدالحلیم ثاقب. کابل: انتشارات قرطبه.
- أبو داسر، عبدالله بن سعید. (۱۴۴۳ هـ.ق). «إثبات الدعوى الجنائية دراسة مقارنة»، جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.
- هارون، بوعلى. (۲۰۲۲ م). «ضمانات المتهم اثناء مرحلة المحاكمة»، جامعة العربي التبسی، شهادة ماجستری.
- سنگلجی، محمد. (۱۳۸۲ هـ.ش). آیین دادرسی در اسلام فشرده ای از قواعد قضاء در اسلام. تهران: نشر خط سوم.
- علم ستانکزی، محمدظریف. (۱۳۹۶ هـ.ش). اصول محاکمات مدنی. کابل: انتشارات حامد.
- منصورآبادی، عباس. (۱۳۸۴ هـ.ش). «حق تجدید نظر در فرآیند دادرسی عادلانه»، اندیشه حقوق، سال سوم، شماره ۸.
- سازمان بین المللی انکشاف حقوق/ IDLO. (۱۳۹۸ هـ.ش). تحقیق جرایم (جزوه شماره ۳). کابل، افغانستان.
- سیرت، صمیم. (۱۴۰۴ هـ.ش). «بررسی مقایسوی صلاحیت تحقیق جرم در نظام جمهوریت و امارت اسلامی افغانستان»، پایان نامه دوره لیسانس، پوهنتون البیرونی، کاپیسا.
- ب. فرامین و لوايح
- وزارت عدلیه. (۱۴۴۴ هـ.ق). قانون وظائف و صلاحیت های لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام، جریده رسمی، کابل، افغانستان، شماره مسلسل (۱۴۳۴).

- وزارت عدلیه. (۱۴۴۴هـ.ق). فرمان امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی در مورد تغییر نام لوی خاړنوالی به لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین احکام. جریده رسمی، شماره (۳۵).
- وزارت عدلیه. (۱۴۴۴هـ.ق). فرمان امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی در مورد بررسی دوسیه‌ها در محاکم. جریده رسمی، شماره (۱۸۲۰).
- وزارت عدلیه. (۱۴۳۵هـ.ق). د عدلی حقوقی محکمو د اجرا آتو اصولنامه. د تمیز عالی ریاست خپرونه.
- وزارت عدلیه. (۱۴۳۵هـ.ق). د عدلی محکمو اداری او حقوقی اجرا آتو اصولنامې. د تمیز عالی ریاست خپرونه.
- اداره عالی محاکم. (۱۴۴۰هـ.ق). لایحه محاکم. کابل.

Examination of the Criminal Litigation Stages in the Legal System of the Islamic Emirate of Afghanistan

Teaching Assistant Ghami Arash¹
Samim Seerat²

Abstract

Criminal litigation constitutes one of the most pivotal components of the judicial and legal system of any nation, as it is directly intertwined with the maintenance of public order, the administration of justice, the protection of individual rights, and the combat against crime. Notwithstanding its significance, no comprehensive and independent study has yet been undertaken regarding the procedural stages of criminal proceedings within the legal framework of the Islamic Emirate of Afghanistan. Moreover, the systematic regulation of the primary (court of first instance), appellate, and cassation phases has not been adequately elucidated from a scholarly perspective. The present research aims to investigate the procedural stages of criminal litigation in the legal system of the Islamic Emirate of Afghanistan. The principal research question is: How are the stages of criminal litigation structured within the legal system of the Islamic Emirate of Afghanistan? The research hypothesis posits that the criminal litigation process in this legal system is organized into three distinct phases—namely, proceedings before the court of first instance, appellate review, and cassation review—all framed within the tenets of Islamic Sharia and in observance of human dignity. This study employs a qualitative methodology with a descriptive-analytical approach. Data have been collected through library-based research, including the examination of procedural codes, legislative decrees, and other normative legal documents. The findings reveal that the judicial procedural system in the Islamic Emirate of Afghanistan adopts a tripartite structure, with clearly defined jurisdictions, functions, and statutory time limits prescribed for each stage. Furthermore, the rights to appeal and to seek cassation have been established as essential safeguards of judicial fairness. The legal system of the Islamic Emirate of Afghanistan endeavors, by grounding itself in the precepts of Islamic Sharia and upholding the rights of the parties to the dispute, to provide the groundwork for the realization of justice and judicial stability.

Keywords: Afghanistan, Criminal Law, Litigation, Criminal Action, Trial, Legal System

1. Faculty Member, Faculty of Law and Political Science, Al-Biruni University:
G.Arash1945@gmail.com

2 Graduate, Faculty of Law and Political Science, Al-Biruni University.
Ahmadsamimfragi@gmail.com